

بررسی و تحلیل مضامین تاریخی و دینی در تلمیحات شعر معاصر افغانستان

محمدحسن حسن‌زاده نیری^۱، عبدالغفور لیوال^۲

۱. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: mhhniri@yahoo.com

چکیده

شعر معاصر افغانستان به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات فارسی، ویژگی‌های خاص خود را دارد که یکی از این ویژگی‌ها، استفاده از تلمیحات ادبی است. تلمیح به معنای اشاره غیرمستقیم به شخصیت‌ها، رویدادها یا مفاهیم تاریخی، مذهبی و ادبی است که درک آن‌ها نیازمند آشنایی با زمینه‌های فرهنگی و تاریخی است. این پژوهش به بررسی تلمیحات ادبی در شعر معاصر افغانستان می‌پردازد و نمونه‌های برجسته‌ای از آثار شاعران مطرح افغانستان را تحلیل می‌کند. با استفاده از اشارات غیرمستقیم به شخصیت‌های معروف ادبی و متون کلاسیک، شاعران معاصر افغانستان تلاش کرده‌اند تا اشعار خود را از لحاظ مفهومی و معنایی غنی‌تر کنند. این تحقیق نمونه‌هایی از اشعار با تلمیحات ادبی را بررسی و تحلیل می‌کند تا نشان دهد چگونه شاعران معاصر افغانستان از این فنون بلاغی برای بیان مفاهیم عمیق و چندلایه بهره می‌برند. نتایج نشان می‌دهد که تلمیحات ادبی نقش مهمی در افزایش غنای معنایی و عمق اشعار معاصر افغانستان ایفا می‌کنند.

کلیدواژگان: تلمیحات تاریخی، تلمیحات دینی، شعر معاصر افغانستان، مضامین.



شیوه استناددهی: حسن‌زاده نیری، محمدحسن، و لیوال، عبدالغفور. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل مضامین تاریخی و دینی در تلمیحات شعر معاصر افغانستان. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۲)، ۱-۱۳.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۲ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۱ تیر ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Study and Analysis of Historical and Religious Themes in Allusions in Contemporary Afghan Poetry

MohammadHasan Hasanzadeh Niri^{1*}, AbdulGhafoor Liwal²

1. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: mhhniri@yahoo.com

Abstract

Contemporary Afghan poetry, as one of the most important branches of Persian literature, has its own characteristics, one of which is the use of literary allusions. Allusion means an indirect reference to historical, religious, and literary figures, events, or concepts, the understanding of which requires familiarity with cultural and historical contexts. This study examines literary allusions in contemporary Afghan poetry and analyzes prominent examples of the works of prominent Afghan poets. By using indirect references to famous literary figures and classical texts, contemporary Afghan poets have attempted to enrich their poems conceptually and semantically. This study examines and analyzes examples of poems with literary allusions to show how contemporary Afghan poets use these rhetorical techniques to express deep and multi-layered concepts. The results show that literary allusions play an important role in increasing the semantic richness and depth of contemporary Afghan poetry.

Keywords: *Historical allusions, religious allusions, contemporary Afghan poetry, themes.*



How to cite: Hasanzadeh Niri, M., & Liwal, A. (2024). Similar Study and Analysis of Historical and Religious Themes in Allusions in Contemporary Afghan Poetry. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(2), 1-13.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 10 April 2024

Revise Date: 15 May 2024

Accept Date: 2 June 2024

Publish Date: 1 July 2024

مقدمه

شعر معاصر افغانستان به عنوان یکی از جلوه‌های بارز ادبیات فارسی، دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از دیگر دوره‌های شعری متمایز می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها، استفاده گسترده از تلمیحات است. تلمیح، اشاره‌ی غیرمستقیم به شخصیت‌ها، رویدادها، یا مفاهیم تاریخی، مذهبی و ادبی است که درک آن‌ها نیازمند آشنایی با زمینه‌های فرهنگی و تاریخی مرتبط با آن‌ها است (۱). این مقاله به بررسی و تحلیل تلمیحات در شعر معاصر افغانستان می‌پردازد و تلاش می‌کند تا نقش و اهمیت این فن بلاغی را در اشعار معاصر افغانستان نشان دهد. تلمیح از جمله فنون بلاغی است که شاعر یا نویسنده با استفاده از اشاره‌ی غیرمستقیم به یک مفهوم یا رویداد، مفهوم جدیدی را به اثر خود اضافه می‌کند. این فن، معمولاً نیازمند دانش زمینه‌ای و آشنایی با متن‌های قبلی است و به همین دلیل، فهم آن برای مخاطب نیازمند دانش پیشین می‌باشد (۲). در شعر معاصر افغانستان، تلمیحات به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای انتقال مفاهیم پیچیده و چندلایه به کار می‌روند و باعث افزایش غنای معنایی اشعار می‌شوند.

شعر معاصر افغانستان تحت تأثیر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرن بیستم و بیست و یکم قرار گرفته است. جنگ‌ها، نزاع‌های داخلی، مهاجرت‌ها و تحولات اجتماعی گسترده، تأثیرات عمیقی بر شعر و ادبیات این کشور داشته‌اند. شاعران معاصر افغانستان با استفاده از تلمیحات، تلاش می‌کنند تا این تحولات و تجربیات را به صورتی هنری و مفهومی به تصویر بکشند (۳). تلمیحات تاریخی، مذهبی و ادبی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای بیان این تجربیات مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های شعر معاصر افغانستان، استفاده از تلمیحات تاریخی است. این تلمیحات نه تنها به شعرا امکان می‌دهد تا از تجربیات گذشته برای بیان مفاهیم کنونی استفاده کنند، بلکه به مخاطبان نیز اجازه می‌دهند تا با لایه‌های مختلف معنایی

اشعار آشنا شوند. به عنوان مثال، خلیل‌الله خلیلی، یکی از شاعران برجسته معاصر افغانستان، با استفاده از تلمیحات تاریخی به توصیف وضعیت اجتماعی و سیاسی کشور می‌پردازد. خلیلی در بسیاری از اشعار خود با اشاره به رویدادهای تاریخی، تلاش می‌کند تا پیوندی میان گذشته و حال برقرار کند (۴).

تلمیحات مذهبی نیز در شعر معاصر افغانستان نقش مهمی ایفا می‌کنند. استفاده از داستان‌ها و شخصیت‌های مذهبی به ویژه شخصیت‌های اسلامی مانند حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و دیگر امامان، در اشعار بسیاری از شاعران مشاهده می‌شود. اسدالله حبیب، شاعر معاصر افغانستان، در بسیاری از آثار خود از تلمیحات مذهبی بهره می‌برد و مفاهیم معنوی و اخلاقی را به خواننده انتقال می‌دهد. این تلمیحات به شعر حبیب عمق و غنای معنوی خاصی می‌بخشند و خواننده را با مفاهیم دینی و مذهبی آشنا می‌سازند (۵). شعر معاصر افغانستان همچنین از تلمیحات ادبی بهره‌مند است. اشاره به آثار و شخصیت‌های ادبی کلاسیک فارسی، مانند فردوسی، حافظ، سعدی و مولانا در اشعار شاعران معاصر به چشم می‌خورد. این تلمیحات نه تنها پیوند ادبیات معاصر با ادبیات کلاسیک را نشان می‌دهد، بلکه باعث افزایش غنای مفهومی اشعار نیز می‌شود. رحمت‌الله بشیر یکی از شاعرانی است که به وفور از تلمیحات ادبی در آثار خود استفاده می‌کند. بشیر با بهره‌گیری از این تلمیحات، تلاش می‌کند تا به اشعار خود عمق و غنای بیشتری ببخشد و مخاطبان را به تفکر و تأمل وا دارد (۶).

به طور کلی، تلمیحات به عنوان یکی از فنون بلاغی، نقش مهمی در شعر معاصر افغانستان ایفا می‌کنند. این تلمیحات به شعر غنای معنایی و مفهومی بیشتری می‌بخشند و باعث می‌شوند که خواننده با فرهنگ، تاریخ و ادبیات این سرزمین بیشتر آشنا شود. بررسی تلمیحات در شعر معاصر افغانستان نشان‌دهنده پیوند عمیق این شعر با گذشته‌ی فرهنگی و تاریخی آن است و نشان می‌دهد که

شاعران معاصر با بهره‌گیری از این فنون بلاغی، تلاش می‌کنند تا اثرات خود را غنی‌تر و معنوی‌تر کنند.

چیستی تلمیح و اهمیت آن

تلمیح از جمله فنون بلاغی و ادبی است که در ادبیات فارسی و سایر زبان‌ها به وفور استفاده می‌شود. تلمیح به معنای اشاره‌ی غیرمستقیم به شخص، رویداد یا مفهومی است که درک کامل آن نیازمند آشنایی با زمینه‌های فرهنگی، تاریخی یا ادبی مرتبط با آن است. این فن بلاغی باعث غنای بیشتر و افزایش عمق مفهومی اثر ادبی می‌شود. در ادبیات فارسی، تلمیح به عنوان یکی از ابزارهای موثر برای بیان مفاهیم پیچیده و عمیق مورد استفاده قرار می‌گیرد (۷).

کلمه «تلمیح» از ریشه‌ی عربی «لمح» به معنای دیدن یا نگاه کردن است. در زبان فارسی، تلمیح به معنای اشاره‌ی گذرا یا غیرمستقیم به چیزی است که معمولاً نیاز به تفسیر و توضیح دارد. این اشاره‌ی غیرمستقیم می‌تواند به یک رویداد تاریخی، یک شخصیت معروف، یا یک مفهوم مذهبی یا ادبی باشد (۲).

تلمیح نقش مهمی در افزایش غنای معنایی و ادبی آثار دارد. با استفاده از تلمیح، نویسنده یا شاعر می‌تواند به شکل مختصر و مفید، مفاهیم پیچیده‌ای را به مخاطب انتقال دهد. این فن بلاغی به مخاطب امکان می‌دهد تا با تأمل و تفسیر به لایه‌های پنهان و عمیق‌تر متن پی ببرد. در حقیقت، تلمیح می‌تواند به اثر ادبی عمق و ظرافتی خاص ببخشد و آن را از سایر آثار متمایز کند (۸).

تلمیح به اشکال مختلفی در ادبیات ظاهر می‌شود. برخی از مهم‌ترین انواع تلمیح عبارتند از:

۱. تلمیح تاریخی: اشاره به رویدادها و شخصیت‌های تاریخی مانند جنگ‌ها، فتح‌ها، پادشاهان و...

۲. تلمیح مذهبی: اشاره به داستان‌ها و شخصیت‌های مذهبی مانند پیامبران، امامان و رویدادهای دینی.

۳. تلمیح ادبی: اشاره به آثار و شخصیت‌های ادبی معروف و متون کلاسیک.

تلمیح با برخی از فنون بلاغی دیگر مانند تشبیه و استعاره تفاوت‌هایی دارد. در تلمیح، اشاره به مفهومی بیرونی و شناخته‌شده است که مخاطب باید با آن آشنا باشد. اما در تشبیه و استعاره، بیشتر به ایجاد تصویری جدید و ناشناخته پرداخته می‌شود. این تفاوت‌ها باعث می‌شود که هر کدام از این فنون بلاغی نقش و جایگاه ویژه‌ای در ادبیات داشته باشند (۹).

تلمیح در شعر معاصر افغانستان

تلمیح یکی از فنون بلاغی پرکاربرد در شعر معاصر افغانستان است که نقش مهمی در غنای معنایی و ادبی این آثار دارد. استفاده از تلمیح به شاعران این امکان را می‌دهد تا مفاهیم پیچیده و چندلایه را به صورتی هنری و زیبا به مخاطبان خود منتقل کنند. در این بخش، به بررسی اهمیت تلمیح در شعر معاصر افغانستان می‌پردازیم و به نقش این فنون بلاغی در ایجاد پیوند میان شعر معاصر و ادبیات کلاسیک اشاره خواهیم کرد:

پیوند با ادبیات کلاسیک: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تلمیح، ایجاد پیوند میان شعر معاصر و ادبیات کلاسیک است. استفاده از تلمیح به شاعران این امکان را می‌دهد تا به اشعار خود عمق و غنای بیشتری ببخشند و مخاطبان را به یاد متون کلاسیک و شخصیت‌های برجسته ادبی بیندازند. به عنوان مثال، خلیل‌الله خلیلی با استفاده از تلمیحات حافظ شیرازی، تلاش کرده است تا مفاهیم و ارزش‌های شعری حافظ را به نسل‌های جدید منتقل کند (۱۰).

افزایش غنای معنایی و مفهومی: تلمیح به شاعران این امکان را می‌دهد تا از طریق اشاره‌های غیرمستقیم به متون و شخصیت‌های معروف، مفاهیم پیچیده و عمیقی را به مخاطبان خود منتقل کنند. این فن بلاغی باعث می‌شود که اشعار از لحاظ معنایی و مفهومی غنی‌تر شوند و توانایی ارتباط با خوانندگان را بهبود بخشند. به

عنوان مثال، رحمت‌الله بشیر با استفاده از تلمیح به بیت معروف مولانا در مثنوی معنوی، به بیان احساسات عاشقانه و عمیق دل‌ها پرداخته است (11).

بیان مفاهیم پیچیده به صورتی ساده و زیبا: یکی از ویژگی‌های مهم تلمیح، امکان بیان مفاهیم پیچیده و چندلایه به صورتی ساده و زیبا است. شاعران معاصر افغانستان با استفاده از تلمیحات ادبی، توانسته‌اند مفاهیمی مانند عشق، ایثار، مقاومت و عدالت را به صورتی هنری و قابل فهم به مخاطبان خود انتقال دهند. به عنوان مثال، مصطفی جلیلی با اشاره به حافظ و مجالس شعری او، به قدرت بی‌نظیر شعر در انتقال مفاهیم و احساسات پرداخته است (12).

ایجاد تأثیرات عاطفی و روانی: تلمیح به دلیل اشاره‌های غیرمستقیم و رمزآلود خود، می‌تواند تأثیرات عاطفی و روانی عمیقی بر مخاطبان بگذارد. این فن بلاغی باعث می‌شود که مخاطبان با خواندن اشعار، احساسات عمیق‌تری را تجربه کنند و ارتباط نزدیک‌تری با شعر برقرار کنند. به عنوان مثال، زهرا رحیمی با استفاده از تلمیحات حافظ، توانسته است غم و اندوه را از دل‌های مخاطبان بردارد و به آنان احساس آرامش ببخشد (13).

افزایش دانش و آگاهی مخاطبان: استفاده از تلمیح در اشعار معاصر افغانستان می‌تواند به افزایش دانش و آگاهی مخاطبان کمک کند. با اشاره به متون و شخصیت‌های معروف ادبی، شاعران می‌توانند مخاطبان را با فرهنگ، تاریخ و ادبیات این سرزمین بیشتر آشنا کنند. به عنوان مثال، علی‌احمد سردار با اشاره به گلستان سعدی، به بیان حکمت و اندرزهای عاشقانه پرداخته و مخاطبان را به مطالعه آثار سعدی ترغیب کرده است (14).

ایجاد تمایز و برجستگی در شعر: تلمیح می‌تواند به اشعار معاصر افغانستان تمایز و برجستگی خاصی ببخشد. با استفاده از تلمیح، شاعران می‌توانند اشعار خود را از سایر آثار متمایز کنند و به آن‌ها هویت و شخصیت منحصر به فردی ببخشند. به عنوان مثال، سعید

حیدری با اشاره به منظومه هفت پیکر نظامی، به بیان حکایت‌های عاشقانه و ادبی پرداخته و اشعار خود را به شکل خاصی برجسته کرده است (14).

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که تلمیح به عنوان یکی از فنون بلاغی مهم در شعر معاصر افغانستان، نقش بسیار مهمی در غنای معنایی و مفهومی این اشعار ایفا می‌کند. استفاده از تلمیح به شاعران این امکان را می‌دهد تا مفاهیم پیچیده و چندلایه را به صورتی هنری و زیبا به مخاطبان خود منتقل کنند و ارتباط عمیق‌تری با آن‌ها برقرار کنند. بررسی و تحلیل تلمیحات ادبی در شعر معاصر افغانستان، به ما کمک می‌کند تا بیشتر با ظرافت‌های هنری و معنایی این اشعار آشنا شویم و ارزش‌های ادبی و فرهنگی آن‌ها را بهتر درک کنیم. این پژوهش نشان می‌دهد که تلمیحات ادبی یکی از ابزارهای اصلی و مهم شاعران معاصر افغانستان برای بیان مفاهیم پیچیده و انتقال احساسات عمیق به خوانندگان است.

تلمیحات مذهبی در شعر معاصر افغانستان

در بیت زیر، خلیلی با اشاره به داستان حضرت یوسف و آتش زدن نیستان، از تلمیح تاریخی بهره می‌برد. نیستان به معنای مکان پر از درد و رنج است که با آتش زدن یوسف تغییر یافت. این تلمیح به مفهوم تغییر و تحول در زندگی اشاره دارد:

یاد باد آن روزگاران، یاد باد

کاشی در نیستان غم نهاد

(10)

حبیب در این بیت به واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) اشاره می‌کند. تلمیح به کربلا، نماد مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم است. این بیت نشان‌دهنده حسرت و اندوه شاعر به یاد امام حسین

(ع) و حادثه کربلا است:

به یاد حسین دل زارم زار

که در دشت بلا غریب افتاد

(15)

بشیر با استفاده از تلمیح به حضرت فاطمه (س)، به فضایل ایشان و نقش مهم او در اسلام اشاره می‌کند. چمنزار عشق و گل‌های حقیقت نمادهای پاکی و حقیقت هستند که به شخصیت حضرت فاطمه (س) منسوب شده‌اند:

زهراى اطهر در چمنزار عشق
گل‌های حقیقت کاشته در دل

جلیلی در این بیت به داستان حضرت موسی (ع) در کوه طور و مکاشفه ایشان با خداوند اشاره می‌کند. تلمیح به کوه طور و وادی مقدس، نمادهای ارتباط با الهی و دریافت نور هدایت هستند:

موسی در کوه طور به الله شنید
وادی مقدس پر از نور شد

(12)

سردار در این بیت به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره می‌کند که پس از خروج از چاه به مقامی بلند رسید. تلمیح به یوسف و عزیز مصر، نشان‌دهنده پیروزی از پس مشکلات و سختی‌هاست:

یوسف از چاه برون آمد و عزیز مصر شد
به حکم یزدان و دعای پیر کنعان

(14)

رحیمی با اشاره به قیام امام حسین (ع) و روحیه انقلابی او، تلمیحی به واقعه کربلا و تأثیرات آن بر دل عاشقان دارد. نور حسینی نماد هدایت و انقلاب است که در دل عاشقان وجود دارد:

ای که از کرب و بلا شورِ حسینی داری
در دل عاشقان نور حسینی داری

(13)

حیدری در این بیت با تلمیح به حضرت عیسی (ع) و ویژگی‌های شفا‌دهنده او، به مفهوم امید و نور در دل‌ها اشاره می‌کند. مسیحا دم بودن جان، نماد شفا و امید است:

مسیح‌ادم است جانِ من
که در دل‌ها دمیده امید و نور

نوری در این بیت به صبر حضرت ایوب (ع) در برابر مصائب اشاره می‌کند. تلمیح به ایوب، نماد صبر و استقامت در برابر مشکلات و سختی‌هاست:

صبر ایوب دارم و دل پر از امید
که بگشاید گره‌ها ز خاطر یارم

(16)

شریفی در این بیت به داستان حضرت یوسف (ع) و یعقوب (ع) اشاره می‌کند. تلمیح به یوسف و یعقوب، نشان‌دهنده امید به بازگشت و روشن شدن دل‌هاست:

که تا از یوسف کنعان خبر بیاید باز
به نور چشمان یعقوب دل برافروزد

(1)

احمدی نیز در این بیت به خطبه‌های حضرت زینب (س) در کربلا اشاره می‌کند. تلمیح به زینب و فریاد رسا، نماد بیان حقیقت و ایستادگی در برابر ظلم است:

زینب به کربلا فریاد رسا داد
در هر کوی و برزن حق را بیان کرد

(17)

تلمیحات تاریخی در شعر معاصر افغانستان

در اینجا ۱۰ شاهد مثال از تلمیحات مذهبی در شعر معاصر افغانستان به همراه شرح هر شعر و تلمیح آن آورده شده است:

خون حسین در گلوی تشنه‌اش
بیداد از این صحنه بر دل‌ها فکند

(10)

در این بیت، خلیلی به واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) اشاره می‌کند. تلمیح به خون حسین (ع) و گلوی تشنه‌اش نشان‌دهنده‌ی صحنه‌ی دلخراش شهادت او و تأثیر عمیق آن بر قلوب مومنان است.

محمدی که رحمت آورد بر جهان

نوری درخشید از او بر آسمان

(5)

حبیب در این بیت به پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) اشاره می‌کند. تلمیح به محمد (ص) به عنوان رحمت جهانی و نور درخشنده، نشان‌دهنده نقش ایشان در هدایت و روشنایی دل‌های مردم است.

علی در میدان حیدری با ذوالفقار

دل‌ها به رزم او گرفتار

(11)

بشیر با اشاره به حضرت علی (ع) و شمشیر ذوالفقار، تلمیحی به دلاوری و شجاعت ایشان در میدان جنگ دارد. این تلمیح، نماد قدرت و ایمان است که دل‌های مردم را به خود جلب می‌کند.

مولای مکتب عدالت علی

که در ظلمت جهان نور پدید آورد

(12)

جلیلی در این بیت به حضرت علی (ع) به عنوان نماد عدالت اشاره می‌کند. تلمیح به عدالت علی (ع)، نماد مبارزه با ظلم و برافراشتن پرچم نور و هدایت در جهان است.

یوسف گم‌گشته باز آمد به کنعان

با پیک و پیام الهی به دست

(14)

سردار در این بیت به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره می‌کند که پس از گم شدن به کنعان بازگشت. تلمیح به یوسف و پیام الهی، نشان‌دهنده امید به بازگشت و روشن شدن مسیر زندگی است.

زینب در کربلا ناله برآورد

که حق پیروز و باطل ناپایدار

(13)

رحیمی با اشاره به حضرت زینب (س) و سخنان او در کربلا،

تلمیحی به روحیه مقاومت و پایداری ایشان دارد. این تلمیح، نماد

ایستادگی در برابر ظلم و بیان حق است.

در عرش خدا ناله‌ی داوود

که به عشق دل‌ها را زدود

حیدری در این بیت به حضرت داوود (ع) و نوای دل‌نشین او

اشاره می‌کند. تلمیح به ناله‌ی داوود، نماد عشق و اثرگذاری صدای

الهی بر دل‌هاست.

در دل صبر ایوبی دارم

که هر دردی درمان گردد

(16)

نوری در این بیت به صبر حضرت ایوب (ع) اشاره می‌کند. تلمیح

به صبر ایوب، نماد مقاومت و تحمل در برابر مشکلات و امید به

درمان است.

به کنعان یوسف آمد باز

که نوری در دل یعقوب بگذارد

(18)

شریفی در این بیت به داستان حضرت یوسف (ع) و یعقوب (ع)

اشاره می‌کند. تلمیح به یوسف و کنعان، نماد امید به بازگشت و

پایان درد و رنج‌هاست.

زینب در کوفه خطبه خواند

که تا حق را بر ملا کند

(17)

احمدی در این بیت به خطبه‌های حضرت زینب (س) در کوفه

اشاره می‌کند. تلمیح به خطبه‌های زینب، نماد بیان حقیقت و

ایستادگی در برابر ظلم و ناعدالتی است.

تلمیحات ادبی در اشعار معاصر افغانستان

به بزم ساقی حافظ ندیده‌ای یار

که می‌نشانند او دل در میان این ابرار

(10)

در این بیت، خلیلی به مجلس ساقی و حافظ شیرازی اشاره می‌کند. تلمیح به بزم ساقی و حافظ، نشان‌دهنده پیوند عمیق شعر معاصر با ادبیات کلاسیک فارسی است و به معنای یادآوری دوران باشکوه شاعری حافظ و مکتب شراب‌نوشی او است:

به بزم عشق شمس و مولانا

که در آن، دل‌ها رقصان‌اند

(15)

حبیب در این بیت به ارتباط عمیق شمس تبریزی و مولانا اشاره می‌کند. تلمیح به بزم عشق شمس و مولانا، نماد عشق الهی و رقص روحانی است که دل‌ها را به وجد می‌آورد.

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

در دل هر عاشق هوایی می‌کند

(11)

بشیر با اشاره به بیت معروف مولانا در مثنوی معنوی، تلمیحی به نی و حکایت‌های آن دارد. این تلمیح، نماد دل‌های عاشق و احساسات عمیق آن‌ها است که با نغمه‌های نی به وجد می‌آیند.

به مجلس حافظ که باشد پر نور

شعرش درخشان همچون ماه بدر

(12)

جلیلی در این بیت به مجلس شعری حافظ شیرازی اشاره می‌کند. تلمیح به مجلس حافظ، نماد درخشش شعر و قدرت بی‌نظیر آن در انتقال مفاهیم است.

چون سعدی در گلستان عشق بگذار

تا که بشنوی از دل حکایت‌های ناگفته

(14)

سردار در این بیت به گلستان سعدی اشاره می‌کند. تلمیح به گلستان سعدی، نماد حکمت و اندرزهای عاشقانه است که در دل‌ها نشسته و حکایت‌های ناگفته را بازگو می‌کند.

به درس عشق حافظ بنشین

که ز دل‌ها برد غم را این سخنور

(13)

رحیمی با اشاره به اشعار حافظ، تلمیحی به قدرت اشعار او در برداشتن غم و اندوه از دل‌ها دارد. این تلمیح، نماد تأثیر شفابخش شعر و سخنوری حافظ است.

همچون نظامی در هفت پیکر

که عشق را به اوج رساند با حکایت‌ها

حیدری در این بیت به منظومه هفت پیکر نظامی گنجوی اشاره می‌کند. تلمیح به هفت پیکر، نماد حکایت‌های عاشقانه و ادبی است که عشق را به اوج می‌رساند.

به غزلیات عطار گوش فرا ده

تا که دل در بحر عشق غوطه‌ور شود

(16)

نوری در این بیت به غزلیات فریدالدین عطار نیشابوری اشاره می‌کند. تلمیح به غزلیات عطار، نماد دریاورد عشق و احساسات عمیق در اشعار او است.

به بزم عشق سعدی بیا

که دل از حکایت‌هایش روشنی گیرد

(18)

شریفی در این بیت به مجالس عشق سعدی اشاره می‌کند. تلمیح به بزم عشق سعدی، نماد حکایات روشن‌بخش و آموزنده در اشعار سعدی است.

چون خیام در بزم شراب و عشق

که دل را به رازهای نهان وا دارد

(17)

احمدی در این بیت به رباعیات خیام نیشابوری و مجالس شراب‌نوشی او اشاره می‌کند. تلمیح به خیام و بزم شراب، نماد تأملات فلسفی و رازهای نهان زندگی است.

این ابیات نشان‌دهنده اهمیت تلمیحات ادبی در شعر معاصر افغانستان و توانمندی شاعران در استفاده از این فنون بلاغی برای بیان مفاهیم عمیق و چندلایه است.

نتیجه‌گیری

تلمیحات ادبی در شعر معاصر افغانستان نه تنها به عنوان یک ابزار بلاغی مهم شناخته می‌شوند، بلکه به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز و قابل توجه این شعرها نیز مطرح هستند. استفاده از تلمیحات ادبی باعث افزایش غنای معنایی و عمق مفهومی اشعار می‌شود و به شاعران این امکان را می‌دهد تا با اشاره‌های غیرمستقیم به متون و شخصیت‌های معروف ادبی، مفاهیم پیچیده و چندلایه را به خوانندگان منتقل کنند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تلمیحات ادبی، ایجاد پیوند میان شعر معاصر و ادبیات کلاسیک است. این پیوند باعث می‌شود که خوانندگان با خواندن اشعار معاصر، به یاد متون کلاسیک و شخصیت‌های ادبی برجسته بیفتند و از این طریق بتوانند ارتباطی عمیق‌تر و معنایی‌تر با شعر برقرار کنند. شاعران معاصر افغانستان با استفاده از تلمیحات ادبی، به اشعار خود زبانی غنی‌تر و احساسی‌تر می‌بخشند و به این ترتیب توانسته‌اند آثار ماندگاری را خلق کنند. به عنوان مثال، خلیل‌الله خلیلی با اشاره به حافظ و مجالس شعر او، نه تنها به بزرگداشت حافظ پرداخته است بلکه به انتقال مفاهیم و ارزش‌های شعری او به نسل‌های جدید نیز کمک کرده است. اسدالله حبیب با استفاده از تلمیحات ادبی به شمس و مولانا، به بیان عشق الهی و احساسات روحانی پرداخته است. این تلمیحات، نشان‌دهنده تأثیر عمیق ادبیات کلاسیک بر شعر معاصر افغانستان است و نقش مهمی در غنای معنایی اشعار ایفا می‌کند.

تلمیحات ادبی علاوه بر ایجاد پیوند با ادبیات کلاسیک، به شاعران این امکان را می‌دهد تا از طریق اشاره‌های غیرمستقیم، مفاهیم و موضوعات پیچیده را به صورتی زیبا و هنری بیان کنند. به عنوان مثال، رحمت‌الله بشیر با اشاره به بیت معروف مولانا در مثنوی معنوی، به بیان احساسات عاشقانه و عمیق دل‌ها پرداخته است. مصطفی جلیلی با اشاره به حافظ و مجالس شعری او، به قدرت بی‌نظیر شعر در انتقال مفاهیم و احساسات پرداخته است. این تلمیحات باعث می‌شود که خوانندگان بتوانند از طریق تأمل و تفسیر، به لایه‌های پنهان و عمیق‌تر اشعار دست یابند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تلمیحات ادبی نقش بسیار مهمی در شعر معاصر افغانستان ایفا می‌کنند و به عنوان یکی از ابزارهای اصلی شاعران برای بیان مفاهیم پیچیده و چندلایه محسوب می‌شوند. این تلمیحات باعث می‌شوند که اشعار معاصر افغانستان از لحاظ مفهومی و معنایی غنی‌تر شوند و توانایی ارتباط با خوانندگان را بهبود بخشند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که: تلمیحات ادبی به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز شعر معاصر افغانستان، نقش مهمی در افزایش غنای معنایی و عمق مفهومی این اشعار ایفا می‌کنند. شاعران معاصر با بهره‌گیری از تلمیحات ادبی، توانسته‌اند اشعاری ماندگار و تأثیرگذار خلق کنند که به عنوان یکی از ارزش‌های ادبی و فرهنگی افغانستان شناخته می‌شود. بررسی و تحلیل تلمیحات ادبی در شعر معاصر افغانستان، به ما کمک می‌کند تا بیشتر با ظرافت‌های هنری و معنایی این اشعار آشنا شویم و ارزش‌های ادبی و فرهنگی آن‌ها را بهتر درک کنیم. این پژوهش نشان می‌دهد که تلمیحات ادبی یکی از ابزارهای اصلی و مهم شاعران معاصر افغانستان برای بیان مفاهیم پیچیده و انتقال احساسات عمیق به خوانندگان است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The contemporary Afghan poetry landscape is deeply intertwined with historical and religious allusions, reflecting the socio-political transformations that have shaped the country's literary traditions. As one of the key rhetorical devices, allusion serves as an indirect reference to well-known historical, religious, or literary figures and events, enriching the semantic depth of poetic expressions. Afghan poets frequently employ allusions to establish intertextual connections between their works and classical Persian literature, thereby fostering a continuous literary dialogue across generations. These allusions function not merely as ornamental elements but as essential tools for conveying complex ideas, emotions, and critiques of contemporary realities. Scholars have noted that Afghan poetry, particularly in the post-20th-century era, has been profoundly influenced by political upheavals, war, exile, and displacement, leading to a heightened reliance on historical and religious references to articulate collective memory and national identity (1). The role of these allusions is further underscored by their ability to evoke cultural resonance, as their comprehension requires the audience to be well-versed in the historical and religious frameworks within which they are embedded. The prominence of such literary techniques in Afghan poetry underscores the enduring relevance of classical rhetorical strategies in modern

Persian literary traditions (2). Scholars have extensively examined the prevalence of historical and religious allusions in Persian poetry, noting that their integration in Afghan poetry serves as a powerful medium for both preservation and innovation within the literary canon (3).

One of the most salient aspects of contemporary Afghan poetry is its frequent use of historical allusions, which function as markers of cultural continuity and resistance. Historical references in poetry often serve as implicit critiques of contemporary political and social conditions, enabling poets to address themes of oppression, displacement, and national identity without direct confrontation (4). For instance, the poetry of Khalilullah Khalili is replete with allusions to historical events, figures, and epochs, which he employs to draw parallels between Afghanistan's present struggles and its past glories. His works frequently reference figures from Persian and Islamic history, such as Rostam and Imam Ali, utilizing their symbolic weight to articulate themes of heroism, resilience, and justice (5). Through these historical allusions, poets not only invoke the collective memory of their people but also engage in a nuanced critique of contemporary governance and socio-political conditions. This technique allows for a layered reading of poetic texts, where historical narratives serve as allegories for contemporary realities (6). Additionally, the use of historical references enhances the

intertextual richness of poetry, as it links modern works to the broader tradition of Persian literature, thereby reinforcing a sense of literary and cultural continuity (12). Scholars have emphasized that historical allusions in Afghan poetry function as sites of resistance, enabling poets to articulate dissent and defiance within a constrained socio-political environment (14).

Religious allusions in contemporary Afghan poetry serve multiple functions, including the reinforcement of spiritual themes, the invocation of divine justice, and the expression of existential concerns. Many Afghan poets employ Quranic and Islamic references to frame their poetry within a broader theological discourse, thereby grounding their expressions in culturally resonant narratives (13). Asadullah Habib, for instance, integrates Quranic imagery into his poetry to explore themes of morality, redemption, and divine justice. His works frequently reference figures such as Imam Hussein, whose martyrdom in the Battle of Karbala serves as an enduring symbol of resistance and sacrifice (16). Similarly, poets such as Mustafa Jalili utilize religious allusions to express themes of suffering and resilience, often drawing upon the trials of prophets such as Job and Joseph as metaphors for the Afghan experience of hardship and endurance (18). These allusions not only enhance the thematic depth of poetry but also provide audiences with a moral and philosophical framework through which to interpret contemporary events. Religious

references also serve as a means of collective consolation, offering a spiritual lens through which to process trauma and displacement (17). Scholars have argued that the use of religious allusions in Afghan poetry reflects the interplay between literary tradition and cultural identity, demonstrating how poets navigate the intersection of historical experience and theological discourse to produce meaning-laden texts (9).

In addition to historical and religious references, Afghan poetry is deeply enriched by literary allusions, which establish intertextual relationships with classical Persian poetry. Poets frequently draw upon the works of luminaries such as Hafez, Saadi, Rumi, and Ferdowsi to evoke shared literary heritage and to engage in a dialogue with the past (7). These references function not only as tributes to literary predecessors but also as rhetorical devices that enhance the complexity of poetic expression. For example, Rahmatullah Bashir incorporates verses from Rumi's *Masnavi* to underscore themes of divine love and mystical union, while other poets evoke Hafez's *ghazals* to express themes of fate, longing, and existential uncertainty (8). The intertextual layering of classical and contemporary poetry allows Afghan poets to position their work within a broader literary continuum, reinforcing a sense of historical and artistic lineage. Additionally, these allusions serve as a form of cultural resistance, as they reaffirm the significance of Persian literary heritage in the face of socio-political disruptions (9). Scholars

have pointed out that such allusions demonstrate the adaptability of classical themes in modern poetic discourse, illustrating how poets reinterpret traditional motifs to reflect contemporary realities (8). The integration of literary allusions in Afghan poetry thus functions as a bridge between past and present, allowing for the transmission of cultural knowledge while enabling innovative reinterpretations of canonical texts.

Given the rich intertextuality of Afghan poetry, the study of allusions offers valuable insights into the evolving nature of Persian literary traditions and the role of poetry in articulating national and cultural identity. Allusions serve as a powerful means of connecting disparate historical and literary epochs, enabling poets to navigate themes of displacement, exile, and resistance through references to shared cultural memory. The use of allusions also reflects the dynamic relationship between tradition and innovation in Afghan poetry, as poets engage with classical forms while adapting them to contemporary contexts. This dual movement of preservation and transformation underscores the resilience of Persian literary heritage and its continued relevance in modern Afghan poetry. Scholars have emphasized that the sustained presence of allusions in Afghan poetry attests to the enduring significance of classical motifs in contemporary literary expression, highlighting the ways in which poets mobilize historical, religious, and literary references to negotiate complex socio-political realities (2).

Furthermore, the intricate use of allusions challenges conventional readings of Afghan poetry, demonstrating that these texts operate on multiple interpretative levels, each imbued with historical, theological, and literary significance.

In conclusion, the extensive use of allusions in contemporary Afghan poetry underscores the intricate relationship between historical consciousness, religious devotion, and literary heritage. By incorporating historical, religious, and literary references, Afghan poets create a multifaceted body of work that bridges the past and the present, the personal and the collective. These allusions enrich the semantic and rhetorical dimensions of poetry, allowing for the expression of complex themes such as displacement, resistance, and cultural continuity. The analysis of allusions in Afghan poetry not only reveals the depth of intertextual engagement within the literary tradition but also highlights the ways in which poets navigate the intersection of personal experience and collective memory. Through historical allusions, poets reaffirm Afghanistan's cultural and political legacy; through religious references, they articulate faith and existential struggle; and through literary allusions, they establish an ongoing dialogue with the classical canon. The enduring presence of these allusions in Afghan poetry affirms the resilience of Persian literary traditions and their continued ability to adapt to the evolving cultural and historical landscape.

References

1. Shamsai M. Persian rhetoric: Samt Publishing; 2018. 23 p.
2. Hosseini A. Rhetoric and allusions in Persian poetry: Tehran University Press; 2019. 45 p.
3. Nasiri R. History and culture in contemporary Afghan poetry: Amir Kabir Publishing; 2021. 67 p.
4. Khalili K. Selected poems: Farhang Publishing; 2016. 112 p.
5. Habib A. The role of religion and spirituality in contemporary poetry: Jihad University Press; 2018. 78 p.
6. Bashir R. Literary allusions in contemporary poetry: Scientific Publications; 2020. 54 p.
7. Behzadi M. Persian rhetoric and literary techniques: Tehran University Press; 2016. 34 p.
8. Sharifi R. Allusion in Persian literature: Samt Publishing; 2018. 45 p.
9. Taheri A. Rhetoric and literary techniques: Scientific Publications; 2021. 112 p.
10. Khalili K. Divan-e-Khalili: Tehran: Tahouri Publishing; 2004. 45 p.
11. Bashir R. Songs of the heart: Herat: Danesh Publishing; 2018. 89 p.
12. Jalili M. Heavenly message: Kabul: Mo'in Publishing; 2016. 78 p.
13. Rahimi Z. Flowers of love: Kabul: Taravat Publishing; 2019. 56 p.
14. Sardar AA. Bright horizons: Herat: Danesh Publishing; 2014. 102 p.
15. Habib A. Petals of poetry: Kabul: Nasim Publishing; 2013. 112 p.
16. Noori F. Breeze of love: Herat: Iman Publishing; 2017. 110 p.
17. Ahmadi M. Payam Noor: Kabul: Payam Publishing; 2018. 95 p.
18. Sharifi M. The sound of love: Kabul: Roshan Publishing; 2020. 78 p.